

تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید

(مطالعه موردی: تعاونی توپ‌سازی شهرستان پاوه و اورامانات)

موسی اعظمی - استادیار دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا

هما سروشمهر* - کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۹/۲ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۱۲/۱۸

چکیده

اکثر نظریه‌پردازان توسعه معتقدند که منابع انسانی هر جامعه‌ای عامل تعیین‌کننده خصوصیت و روند توسعه اجتماعی و اقتصادی آن جامعه است و زنان به عنوان نیمی از جمعیت انسانی نه تنها موضوع و هدف هر نوع برنامه توسعه‌ای هستند، بلکه عامل پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه نیز به شمار می‌آیند. در این زمینه مشارکت زنان روستایی در امور زندگی‌شان، به ویژه در فعالیت‌های جمعی مانند تعاونی‌های تولیدی با هدف ارتقای توانمندی‌های آنان، رهیافت بسیار مناسبی برای کاهش فقر به شمار می‌آید. در این خصوص، مطالعه حاضر به بررسی تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی بر مشارکت زنان روستایی در تعاونی تولید توپ‌های ورزشی (شرکت تعاونی توپ‌دوزی پاوه) پرداخته است. به منظور تشخیص معنی‌دار بودن روابط بین متغیرها از آزمون‌های همبستگی و همچنین برای علت‌یابی متغیرهای فردی و اقتصادی زنان در چگونگی مشارکت آنان در تعاونی تولیدی از مدل تحلیل مسیر بهره گرفته شده است. نوع تحقیق کاربردی، و به صورت توصیفی و همبستگی - علی است. اطلاعات مورد نیاز از استان کرمانشاه (شهرستان پاوه و اورامانات) به وسیله پرسشنامه به دست آمد و با استفاده از روش کوکران، ۹۶ نفر از زنان عضو تعاونی به روش احتمالی و نوع سیستماتیک انتخاب شدند. ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha=0/88$) در قسمت اصلی پرسشنامه (میزان مشارکت)، نشان داد که وسیله تحقیق قابلیت زیادی برای جمع‌آوری اطلاعات دارد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن‌اند که بین مشارکت زنان و مؤلفه‌های فردی-اقتصادی

رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. متغیرهای وارد شده در مدل تحلیل، در مجموع ۶۱ درصد از تغییرات مشارکت زنان را تبیین کردند. نتایج تحلیل مسیر بدین ترتیب است که از بین سیزده مؤلفه فردی-اقتصادی، سه متغیر میزان سابقه عضویت، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و سابقه مدیریت، به ترتیب بیشترین تأثیرات علی را بر مشارکت زنان روستایی داشته‌اند. در پایان راهبردهای متناسب با نتایج مطالعه، به منظور بهبود وضعیت مشارکت زنان روستایی ارائه گردید.

کلیدواژه‌ها: عوامل فردی-اقتصادی، مشارکت، تعاونی توپ‌سازی، زنان روستایی، پاوه و اورامانات.

مقدمه

از هنگام مطرح شدن موضوع توسعه کشورهای بعد از جنگ جهانی دوم (تودارو، ۱۳۸۲)، همواره این فرایند مهم‌ترین موضوع کشورهای و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است (Chambers, 2005). تحقق توسعه کشورهای مستلزم بهره‌گیری از استعداد و توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آنان در مراحل مختلف فرایند توسعه در جوامع محلی و ملی است (Roling and Oakley, 1991; DeJong, 1998; Bell et al., 2004; Lockie, 2006). به گونه‌ای که توسعه و مشارکت اموری در هم تنیده شمرده می‌شود و فرایند توسعه هنگامی با موفقیت درمی‌آمیزد که با افزایش مشارکت مردم، به خصوص مردم محلی، همراه باشد (مقنی‌زاده، ۱۳۸۰).

بر اساس آمارهای سازمان ملل، ایران از نظر مشارکت نیروی کار در اقتصاد کشور، رتبه ۱۲۸ را در میان ۱۳۴ کشور کسب کرده است. ۲۳ درصد زنان ایرانی در بخش اقتصاد کشور مشارکت دارند که در مقابل آن، مشارکت مردان ۷۷ درصد است. از این میان ۳۴ درصد زنان در بخش کشاورزی فعالیت دارند که این رقم در برابر ۲۳ درصد مردان قرار دارد (World Forum, 2009). زنان روستایی به عنوان نیمی از جامعه انسانی، علاوه بر داشتن مسئولیت اقتصادی، ایفاگر نقش‌های متعدد اجتماعی-فرهنگی در جوامع روستایی نیز هستند (شهبازی، ۱۳۸۱). اما استیلای وضعیت توسعه‌نیافتگی در فضای روستایی باعث شده است که آنها به رغم گستردگی مشارکت‌شان در فعالیت‌های روزانه اقتصادی-اجتماعی (غفاری، ۱۳۸۲؛ علی‌بیگی و همکاران، ۱۳۸۶؛ حیدری و جهان‌نما، ۱۳۸۵) همواره به عنوانی اقشاری آسیب‌پذیر

در برنامه‌های توسعه روستایی به حساب آیند (هاشمی، ۱۳۸۰). این در حالی است که ارتقای موقعیت زنان روستایی که از دیرباز و به‌طور سنتی در فعالیت‌های اقتصادی خانواده مشارکت داشته‌اند (علی‌محمدی، ۱۳۸۶) ضرورت بیشتری می‌یابد و جزو شرایط لازم برای دستیابی کشورها به توسعه پایدار محسوب می‌شود (FAO, 2007).

برای شناسایی چگونگی مشارکت زنان در توسعه و عوامل مؤثر بر آن از دهه ۱۹۷۰، اصطلاح زن در توسعه^۱، و در دهه ۱۹۸۰ جنسیت و توسعه^۲ به کار گرفته شد (Ellis & Biggs, 2001) و در پی آن در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و برطرف شدن موانع آن اتخاذ گردید. اما هنوز در ذهن بسیاری از طراحان سیاست‌های توسعه کشاورزی این فرض نادرست وجود دارد که کشاورزان و کارگران روستایی اغلب مرد هستند (World Bank, 2007). از همین رو امروزه بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی هنگام بحث درباره مشارکت زنان روستایی بر اهمیت عوامل فردی و اقتصادی-اجتماعی، در فراهم کردن محیطی برای رشد مشارکت زنان در روستاها تأکید دارند (Worldbank, 2005, 2003).

تعاونی‌های مستقر در نواحی روستایی از جمله نهادهای اساسی در جوامع روستایی به شمار می‌آیند که با به‌کارگیری فنون و رهیافت‌های بدیل، توان روان‌شناختی و اقتصادی زنان روستایی را افزایش می‌دهند و مشارکت زنان را در توسعه جوامع روستایی تسهیل می‌کنند (Jones and Garforth, 1997; Liepins and Schick, 1998; Trauger et al., 2008). بنابراین توجه به وضعیت زنان روستایی، تلاش برای شناسایی و ارزش‌گذاری فعالیت‌های آنان و رفع مسائل و موانع بر سر راه گسترش مشارکت زنان روستایی در نهادهای مختلف روستا، از جمله تعاونی‌ها، جزو الزامات توسعه روستایی است (UNFPA, 2005). بدیهی است منطق

1. Women In Development
2. Gender And Development

توجیه‌کننده این تلاش، ضرورت استفاده از تمامی ظرفیت‌های بالقوه منابع انسانی برای توسعه است. مطالعه حاضر درصدد است با بررسی وضعیت فردی و اقتصادی زنان روستایی، و مطالعه سهم و نقشهر یک از این عوامل در مشارکت آنان در تعاونی تولیدی روستایی، به ارائه راهکارهای مناسب عملی برای بهبود مشارکت زنان در تعاونی‌های تولیدی منطقه مورد مطالعه، بپردازد.

مبانی نظری

در روزگاران نخستین در سراسر مشرق زمین حوزه فعالیت زنان محدود به خانه و خانواده نبوده است و آنها همچون مردان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه مشارکت فعالی داشته‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۲).

بر اساس گزارش بانک جهانی پنجاه درصد نیروی کار کشاورزی جهان در اختیار زنان قرار دارد، و آنان مسئول آماده کردن غذا برای دوسوم جمعیت جهان هستند (World Bank, 2007). این در حالی است که به دلایل فرهنگی و حقوقی، زنان دسترسی و کنترل بسیار محدودی به منابع دارند و تنها ۵ درصد زنان روستایی از خدمات ارائه شده در سطح روستا استفاده می‌کنند (Lipiens and Schick, 1998; FAO, 2006 ; Rivera and Corning 1990). منابع، تنها مادی نیستند (Kabeer, 1999)، بلکه دربردارنده منابع انسانی مانند آگاهی زنان (Longwe, 1994; Batliwala, 1994) و منابع اجتماعی مانند سازمان‌های خودجوش زنان، تعاونی‌های زنان و یا گروه‌های خودیار در سطح محلی نیز هستند، که خود در افزایش توانمندی زنان برای انتخاب‌های آگاهانه‌تر و کاهش آسیب‌پذیری در زندگی مؤثر است (World Bank, 2001).

تعاونی سازمانی غیردولتی است که آن را گروهی از افراد به روشی دموکراتیک^۱ مدیریت می‌کنند و فعالیت‌های آنان هم‌سو با منافع مشترک آنهاست (O'Sullivanand et al., 2003). تاریخ

تشکیل تعاونی به زمانی بازمی‌گردد که انسان‌ها برای منافع مشترک‌شان سازمان یافتند (همان). قبیله‌ها به صورت تعاونی سازمان پیدا کردند تا شغل‌ها و منابع هر یک به دیگری نیز اختصاص یابد (Brown, 2006). اروپای قبل از صنعتی شدن از نخستین مکان‌های تشکیل تعاونی به شمار می‌آید. رابرت اون^۱ اولین پیشگام در تشکیل نهضت تعاونی است. در سال ۱۷۶۱ جامعه بافندگان فن‌فیخ^۲ در شرق اسکاتلند برای فروش اجناس با قیمت پایین‌تر به کارگران تولیدی تشکیل شد. علاوه بر فروش محصولات، از جمله خدمات این انجمن وام دادن به اعضا و آموزش به کارگران نیز بود. در ۱۸۱۰ رابرت اون و شریکان او با ایجاد مغازه خرده‌فروشی سود آن را بین اعضا تقسیم می‌کردند. در سال ۱۸۲۸ ویلیام کینگ^۳ اقدام به انتشار روزنامه‌ای به نام تعاونی کرد. تعاونی پیشگامان راجدیل اولین تعاونی موفق بود که در سال ۱۸۴۴ به همت ۲۸ نفر از بافندگان و چند صنعت‌گر تأسیس شد. موفقیت این تعاونی به حدی بود که در عرض ده سال بیشتر از یک هزار تعاونی در انگلستان تشکیل شد (Ridley-Duff, 2007).

سال ۱۳۱۴ زمان آغاز فعالیت تعاونی‌ها در ایران است. در این سال دولت اقدام به تشکیل نخستین شرکت تعاونی روستایی در منطقه داورآباد گرمسار کرد. تعاونی‌های روستایی از طریق تعاونی‌های مسکن روستایی، تعانی‌های اعتبار روستایی، تعاونی‌های تولید روستایی، تعاونی‌های بهداشت و درمان روستایی، تعاونی‌های بازاریابی و تعاونی‌های خدمات روستایی در ایجاد رفاه و توسعه روستایی در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی نقشی پررنگ ایفا می‌کنند (طاهرخانی و ساریان، ۱۳۸۳). رکن شکل‌دهی تعاونی‌های روستایی، مشارکت داوطلبانه و فعال روستاییان است. طبق تحقیقات سازمان ملل متحد، مشارکت عبارت است از کوشش‌های سازمان‌یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم‌دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی برخی از گروه‌ها و جنبش‌هایی که تا کنون از اعمال چنین کنترلی محروم بوده‌اند (Monzon & Chaves, 2008).

1. Robert Own
2. Fenwick Weavers' Society
3. William King

موضوع تعاونی و اهداف آن، چگونگی مشارکت مردم در آن، و نقش تعاونی در کاهش فقر، موضوع گسترده‌ای از تحقیقات فراوانی است که در جوامع روستایی کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است (Baland & Plattea, 1996; Ostrom, 1990). در این بخش به مرور برخی از مهم‌ترین نتایج و بررسی‌های انجام شده درباره مشارکت روستاییان در تعاونی‌ها پرداخته می‌شود.

محسنی تبریزی، به بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با نظام ترویج و آموزش پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان مشارکت سرپرستان خانوار روستایی و میل به کار گروهی، آگاهی از سازمان‌های اجرایی، نوآوری، انگیزه پیشرفت، رضایت از سازمان‌ها در برنامه‌های عمرانی روستا، گروه سنی و توجه به نظر افراد در اجرای طرح عمرانی رابطه مستقیم وجود دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۱).

طاهرخانی و قرنی، در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر گرایش روستاییان به تشکیل تعاونی‌های روستایی پرداختند. در جامعه آماری مورد نظر ۲۵۴ نفر از ۱۱ روستای دهستان قنوات قم انتخاب شده‌اند تا عوامل مؤثر بر گرایش آنان به تشکیل تعاونی‌های روستایی شناسایی شوند. نتایج نشان از آن داشت که درجه دخالت دولت، میزان آگاهی مردم، بیکار یا شاغل بودن، نوع شغل و میزان ریسک‌پذیری افراد بر تشکیل تعاونی‌های روستایی دخالت دارد (طاهرخانی و قرنی، ۱۳۸۰).

علی‌بیگی و نکویی، به بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اعضا در مدیریت تعاونی‌های روستایی شهرستان کرمانشاه پرداختند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که میزان شرکت در دوره‌های آموزشی، میزان رضایت از عملکرد تعاونی، چگونگی نگرش به تعاونی و سطح تحصیلات اعضا از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر این مشارکت هستند که در مجموع ۳۰ درصد از تغییرات میزان مشارکت را تبیین می‌کنند (علی‌بیگی و نکویی، ۱۳۸۷).

شاهرودی و چیدری، عوامل تأثیرگذار بر مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری را مورد بررسی قرار دادند، که جامعه آماری را ۲۳۵ کشاورز مشارکت‌کننده در تعاونی آبران و

فاقد آن تشکیل می‌دادند. نتایج حاصل از رگرسیون لجستیک گام به گام نشان داد که متغیرهایی چون سن کشاورز، درآمد سالیانه، انسجام اجتماعی و وضعیت مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری، مهم‌ترین عوامل متمایزکننده دو گروه کشاورزان در شبکه‌های آبیاری دارای تعاونی آبران و فاقد تعاونی است (شاهرودی و چیدری، ۱۳۸۸).

برخی از مطالعات نیز به محاسبه میزان فعالیت‌های اقتصادی صورت گرفته به وسیله زنان روستایی پرداخته‌اند، از آن جمله که بیش از ۹۶ درصد زنان روستایی شهرستان رامسر، حداقل دارای یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده هستند (رسول‌پور عربی، ۱۳۷۶)، و این مقدار برای زنان روستای آهندان از ۵۶ تا ۷۶ درصد در مزارع چای و برنج متغیر است (سرمدی و همکاران، ۱۳۷۳).

پروکپی^۱ در پژوهشی به بررسی رابطه بین نتایج حاصل از موفقیت در تعاونی و میزان مشارکت اعضا در تعاونی‌های روستایی پرداخت. داده‌های این تحقیق از ۴۵ روستا که در دو طرح آبرسانی مشارکت داشتند جمع‌آوری شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که با افزایش درگیری خانواده‌ها در مرحله تصمیم‌گیری در پروژه و پرداخت بخشی از هزینه‌های پروژه، میزان مشارکت روستاییان در طرح‌ها افزایش می‌یابد (Prokopy, 2005).

با توجه به مطالعات صورت گرفته و نیز اعتقاد محققان مشخص می‌شود که عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تعاونی‌ها عموماً به وسیله متغیرهای فردی، اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی سنجیده می‌شود (Van wijk-sijbesma, 1998; Prokopy, 2004). بنابراین شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش عبارت‌اند از عوامل فردی (سن، وضعیت تأهل، تعداد اعضای خانواده، سطح تحصیلات و میزان سابقه عضویت در تعاونی) و در بین عوامل اقتصادی (میزان درآمد زنان از تعاونی، انگیزه اقتصادی زنان، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده، میزان سود

1. Prokopy

تعاونی، مدت بهره‌مندی از تعاونی، وضعیت مالکیت زنان از زمین یا احشام) در بین زنان روستایی مورد مطالعه قرار گرفتند.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت کمی است، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیر آزمایشی، و از نظر هدف نیز کاربردی است. جمعیت آماری تحقیق را کلیه زنان «۱۸سال به بالا»ی عضو در تعاونی روستایی تشکیل می‌دهند که بر اساس آمارهای موجود در تعاونی برای سال ۱۳۸۳ تعداد کل آنها حدود ۲۰۰۰ نفر بوده است که نیمی از آنها اعضای اسمی و غیرفعال بوده‌اند و بقیه، اعضای فعال در فعالیت توپ‌دوزی (اعظمی، ۱۳۸۳).

به منظور برآورد حجم نمونه، ابتدا مطالعه‌ای مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از پاسخگویان انجام گردید تا واریانس صفت مورد مطالعه (میزان مشارکت زنان در تعاونی) مشخص گردد، سپس با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد، حجم نمونه ۹۶ نفر از میان اعضای فعال تعاونی (دوزندگان توپ‌های ورزشی) مشخص گردید. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، احتمالی و از نوع سیستماتیک بوده است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه صورت گرفت که پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ($0.88/\alpha$) و روایی پرسشنامه با استفاده از دیدگاه‌های متخصصان موضوعی مرتبط، زنان عضو تعاونی و کارشناسان جهاد کشاورزی تأیید شد. پرسشنامه به وسیله محققان و به صورت مصاحبه، تکمیل و جمع‌آوری شد. در ادامه، به منظور بررسی عوامل فردی-اقتصادی از مدل تحلیل مسیر استفاده شد. تحلیل مسیر شکلی از رگرسیون کاربردی است و یکی از روش‌های آماری نیز موسوم به مدل معادله‌های ساختاری، که امکان آزمون روابط علی بین دو یا چند متغیر را در پژوهش‌های علی-ارتباطی (به صورت مستقل، وابسته، گسسته یا پیوسته، پنهان یا آشکارا و یا هر دو) که در معادله خطی به کار می‌روند فراهم می‌آورد (کلانتری، ۱۳۸۶). در این تحقیق از تحلیل مسیر اکتشافی برای علت‌جویی استفاده شد. برای تجزیه و پردازش داده‌ها نیز از نرم‌افزار spss استفاده گردید.

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های فردی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان روستایی جامعه مورد نظر در محدوده سنی ۱۸ تا ۵۵ سال قرار دارند. میانگین سنی زنان ۲۹ سال است و بیشترین تعداد نمونه در گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال جای دارند. بررسی تعداد اعضای خانواده‌ها مشخص ساخت که ۶۵/۶ درصد از خانواده‌های پاسخگویان تا ۶ نفر و کمتر از آن‌اند. بررسی وضعیت تأهل زنان نشان داد که ۴۳/۸ درصد (۴۲ نفر) از افراد مجرد هستند و ۵۷/۲ درصد افراد (۵۶ نفر) متأهل‌اند، و یک نفر از اعضای جامعه سرپرست خانوار است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که از میان ۹۶ نفر زنان روستایی مورد مطالعه، ۱۵ نفر (۱۵/۶ درصد) بی‌سواد هستند، ۲۳ نفر (۲۴ درصد) آموزش نهضت سوادآموزی را فراگرفته‌اند، (توانایی خواندن و نوشتن دارند)، و ۲۵ نفر (۲۶ درصد) نیز در مقطع ابتدایی متوقف شده‌اند. از لحاظ تحصیل، ۲۵ نفر (۲۶ درصد) در مقطع راهنمایی، ۳ نفر (۳/۴ درصد) متوسطه و ۵ نفر (۵/۲ درصد) دارای مدرک دیپلم‌اند. با توجه به این اطلاعات، می‌توان اظهار داشت که ۶۷/۷ درصد از زنان مورد مطالعه، تحصیلات چندانی ندارند و در وضعیت بی‌سوادی و کم‌سوادی به سر می‌برند.

یکی از عواملی که می‌تواند تسهیل‌کننده یا مانع ایجاد انگیزه برای مشارکت باشد، سابقه حضور فرد در زمینه‌ها و فعالیت‌های مشارکتی است. مشاهدات تأکید می‌کنند که افرادی که برای انجام کاری دارای پیشینه یا سابقه موفق هستند، معمولاً برای تکرار آن اقدام وضعیت مساعدتری خواهند داشت. سابقه عضویت زنان روستایی در تعاونی مورد بررسی نشان می‌دهد که نزدیک به نیمی از زنان سابقه‌ای کمتر از هفت سال عضویت در این تعاونی دارند. ۱۵ نفر از زنان (۱۵/۶ درصد) بین ۷ تا ۹ سال، و ۳۴ نفر (۳۵/۴ درصد) بیشتر از ۹ سال در تعاونی سابقه عضویت دارند.

جدول ۱. مشخصات فردی زنان

درصد	فراوانی	مشخصات فردی
گروه سنی		
۱۱/۵	۱۱	۲۰ سال و کمتر
۴۶/۹	۴۵	۲۱ - ۳۰
۲۹/۲	۲۸	۳۱ - ۴۰
۱۲/۵	۱۲	۴۱ سال و بالاتر
۱۰۰/۰	۹۶	جمع
وضعیت تأهل		
۴۲/۸	۴۱	مجرد
۵۷/۲	۵۴	متأهل
۱	۱	سرپرست خانوار
۱۰۰/۰	۹۶	جمع
تعداد اعضای خانواده		
۱۷/۷	۱۷	۰-۳
۴۷/۹	۴۶	۴-۶
۲۷/۱	۲۶	۷-۹
۳/۱	۳	بالای ۱۰ نفر
۹۵/۸	۹۲	جمع
۴/۲	۴	پاسخ نداده
سطح تحصیلات		
۱۵/۶	۱۵	بی سواد
۲۴	۲۳	خواندن و نوشتن
۲۶	۲۵	ابتدایی
۲۶	۲۵	راهنمایی
۳	۳	متوسطه
۵/۲	۵	دیپلم و بالاتر
۱۰۰/۰	۹۶	جمع
سابقه عضویت در تعاونی		
۱۰/۴	۱۰	زیر ۵ سال
۳۸/۵	۳۷	۵-۷
۱۵/۷	۱۵	۷-۹
۳۵/۴	۳۴	بالاتر از ۹ سال
۱۰۰/۰	۹۶	جمع

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۸۹

بررسی چگونگی مشارکت اعضای تعاونی

با جمع شاخص‌های مشارکت اعضا در مراحل مسئله‌یابی، تصمیم‌گیری (برنامه‌ریزی) و اجرا (که از مراحل اصلی چرخه پروژه‌های مشارکتی هستند) شاخص مشارکت نهایی زنان در تعاونی محاسبه می‌شود. با توجه به نتایج، مشخص شد که ۲۲/۱ درصد زنان میزان مشارکت پایین، ۵۷/۴ درصد مشارکت متوسط، و ۱۹/۱ درصد مشارکت زیاد دارند. نتایج به دست آمده، در جدول‌های ۲ و ۳ ارائه شده است. با توجه به جدول مشخص می‌شود که مشارکت زنان در تعاونی، عملاً در مرحله اجرا (توپ‌دوزی) بسیار جدی بوده است و زنان عضو در مراحل دیگر - یعنی مسئله‌یابی و تصمیم‌گیری - نقش چندانی ندارند. این در حالی است که مشارکت دو گروه دیگر دخیل، یعنی کارکنان دولتی و هیئت مدیره پروژه، عکس آن است.

جدول ۲. سطوح مشارکت گروه‌های مختلف

سطح مشارکت		کم (درصد)			متوسط (درصد)			زیاد (درصد)	
نوع مشارکت	اعضا	هیئت مدیره	کارکنان دولتی	اعضا	هیئت مدیره	کارکنان دولتی	اعضا	هیئت مدیره	کارکنان دولتی
مسئله‌یابی	۹۲/۷	۷۶	۳/۱	۶/۳	۱۸/۸	۴۱/۷	۱	۵/۲	۵۵/۲
تصمیم‌گیری	۷۵	۴۹	۲/۲	۲۰/۱	۲۵	۶۶/۷	۴/۹	۵/۲	۳۱/۳
اجرا	۳۷/۵	۷/۳	۱۹/۸	۴۴/۸	۵۲/۱	۶۷/۷	۱۷/۷	۱۰/۴	۱۲/۵

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۸۹

جدول ۳. سطح مشارکت کلی زنان عضو در تعاونی

سطح مشارکت کل	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۲۳	۲۳/۴	۲۲/۱
متوسط	۵۶	۵۶/۴	۸۰/۹
زیاد	۱۸	۱۸/۲	۱۰۰/۰
جمع کل	۹۶	۱۰۰/۰	

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۸۹

ویژگی‌های اقتصادی

میزان درآمد حاصل از مشارکت زنان در تعاونی نیز مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به نتایج مشخص گردید ۵۶/۴ درصد از زنان درآمدی کمتر از یک میلیون ریال، ۳۴/۸۵ درصد بین یک میلیون تا دو میلیون ریال درآمد و ۸/۷ درصد بیشتر از دو میلیون ریال درآمد در ماه، از طریق دستمزد دریافتی حاصل از دوختن توپ کسب می‌کنند.

جدول ۴. میزان درآمد ماهیانه زنان عضو از تعاونی

میزان درآمد (هزار ریال)	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کمتر از ۱۰۰	۵۴	۵۶/۴	۵۶/۵
۱۰۰ تا ۲۰۰	۳۳	۳۴/۸۵	۹۱/۳
۲۰۰ و بالاتر	۹	۸/۷	۱۰۰
جمع کل	۹۶	۱۰۰	

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۸۹

بهبود وضعیت اقتصادی زنان روستایی: این شاخص از جمع مؤلفه‌هایی چون افزایش پس‌انداز خانواده، افزایش درآمد خانواده، بهبود در وضعیت تغذیه خانواده، بهبود در پوشاک خانواده، بهبود شرایط کودکان، و بهبود کلی در وضعیت اقتصادی خانواده قبل و بعد از مشارکت در تعاونی، محاسبه می‌شود.

انگیزه اقتصادی زنان روستایی: انگیزه مشارکت در تعاونی از عوامل مهم مورد بررسی در نظریات شرکت‌کنندگان است. مؤلفه‌هایی چون دسترسی به خدمات دولتی، یافتن شغلی ثابت و افزایش درآمد با یکدیگر جمع می‌شوند و در تحلیل داده‌ها منظور می‌گردند. نتایج حاصل از این محاسبات در جدول ۵ مشاهده می‌شود.

جدول ۵. میزان انواع شاخص‌های محاسبه شده در بین جامعه آماری

بهبود وضعیت اقتصادی خانواده پس از مشارکت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۳۲	۳۶/۲	۳۶/۲
متوسط	۳۹	۴۱/۵	۷۷/۷
زیاد	۲۱	۲۱/۹	۱۰۰/۰
جمع کل	۹۴	۹۷/۹	
پاسخ نداده	۲	۲/۱	
انگیزه اقتصادی برای مشارکت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۱۲	۱۲/۵	۱۲/۵
متوسط	۴۲	۴۳/۸	۵۶/۳
زیاد	۴۲	۴۳/۸	۱۰۰/۰
جمع کل	۹۶	۱۰۰/۰	

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۸۹

رابطه متغیر مشارکت زنان روستایی با هر یک از مؤلفه‌های فردی-اقتصادی با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون (با توجه به مقیاس آنها) بررسی شد. نتایج در جدول ۶ نمایش داده شده است.

بر اساس جدول ۶، متغیرهای سن، سابقه عضویت، سابقه مدیریت، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده، سودآوری پروژه و مدت بهره‌مندی از سود تعاونی در سطح $p=0/01$ رابطه مثبتی با مشارکت زنان روستایی در تعاونی نشان می‌دهند. این نتیجه مطابق یافته‌های مختلفی است (Lechine, 1994; Hoddinott & Haddad, 1995; Schultz, 1990; Browning, & Bourguignon, Thomas, 1990 Chiappori, &). به عبارت دیگر، مشارکت زنان در تعاونی‌ها به بهبود سلامت اعضای خانواده، بهبود تغذیه و آموزش کودکان می‌انجامد. دیگر متغیرهای جدول ۳، نشان می‌دهد که متغیرهای مالکیت دام و تعداد اعضای خانواده، رابطه‌ای منفی با مشارکت زنان روستایی دارند. بدین ترتیب با افزایش تعداد اعضای خانواده و مالکیت بر دارایی‌ها (زمین یا احشام)، مشارکت زنان کاهش می‌یابد.

جدول ۶. همبستگی مؤلفه‌های مربوط به مشارکت زنان در تعاونی و عوامل فردی - اقتصادی آنان

ردیف	متغیر	نوع مقیاس	نوع آزمون	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
۱	سن	نسبی	پیرسون	۰/۳۳۵**	۰/۰۰۰
۲	میزان تحصیلات	ترتیبی	اسپیرمن	-۰/۱۱۵	ns
۳	تعداد اعضای خانواده	نسبی	پیرسون	-۰/۲۱۶*	۰/۰۳۹
۴	سابقه عضویت	نسبی	پیرسون	۰/۴۴۲**	۰/۰۰۰
۵	سابقه مدیریت	نسبی	پیرسون	۰/۵۱۸**	۰/۰۰۰
۶	بهبود وضعیت اقتصادی خانواده	ترتیبی	اسپیرمن	۰/۶۵۹**	۰/۰۰۰
۷	سودآوری پروژه	نسبی	پیرسون	۰/۴۲۴**	۰/۰۰۰
۸	مدت بهره‌مندی از پروژه	نسبی	پیرسون	۰/۴۲۴**	۰/۰۰۲
۹	انگیزه‌های اقتصادی	ترتیبی	اسپیرمن	-۰/۱۶۴	ns
۱۰	مالکیت زمین	نسبی	پیرسون	-۰/۰۸۴	ns
۱۱	مالکیت دام	نسبی	پیرسون	-۰/۱۰۴*	۰/۰۱۸

منبع: یافته‌های مطالعه، ۱۳۸۹ * ** سطح معنی‌داری یک درصد * سطح معنی‌داری پنج درصد ns بدون معنا

برای بررسی تأثیرات مؤلفه‌های فردی-اقتصادی زنان بر مشارکت آنان در تعاونی و شناسایی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم این مؤلفه‌ها بر یکدیگر، از شیوه تحلیل مسیر استفاده شد. سیزده مؤلفه فردی-اقتصادی که در تحقیق حاضر مورد نظر بوده‌اند، در سطح سیزده متغیر به عنوان متغیرهای اصلی مرتبط با مشارکت زنان روستایی برای رسم مدل علی-ساختاری استفاده شدند و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک بر توانمندی اقتصادی زنان تبیین گردید. این تأثیرات در جدول ۷ نمایش داده شده است.

ضریب همبستگی چندگانه ($R=0/61$)، بیانگر این است که رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته در تحقیق به میزان زیادی است و مقدار F به لحاظ آماری معنی‌دار است ($p=0/000$). همچنین ضریب تعیین بیانگر این نکته است که متغیرهای وارد شده در مدل، در مجموع ۶۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. از آنجا که در مطالعات علوم اجتماعی پیش‌بینی تمام متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر متغیر وابسته امکان‌پذیر نیست، در تحلیل مسیر، مقداری تحت عنوان تأثیر باقی‌مانده محاسبه می‌شود که بر اساس رابطه $R^2=1-$

e2 مقدار e2 برای مدل تحلیل مذکور، ۰/۳۹ محاسبه می‌شود. بنابر این می‌توان بیان کرد که در مدل علی مذکور ۳۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را سایر متغیرهایی که در این تحقیق نبوده‌اند تبیین می‌کنند.

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل «سابقه عضویت در تعاونی» بر متغیر وابسته مشارکت زنان روستایی: با توجه به نتایج جدول ۷ این متغیر دارای تأثیر مستقیم ۰/۴۹۲ و دارای تأثیر غیرمستقیم ۰/۱۷۷ است؛ لذا مجموع کل اثر علی این متغیر ۰/۶۶۹ محاسبه شده است و از نظر اولویت تأثیرگذاری رتبه نخست را دارد. تأثیرات غیرمستقیم این متغیر از طریق متغیرهای سن، سواد، میزان درآمد حاصل از تعاونی، بهبود وضعیت اقتصادی، انگیزه اقتصادی و مالکیت (دام و زمین) بر مشارکت زنان است.

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل «بهبود وضعیت اقتصادی خانواده زنان» بر متغیر وابسته مشارکت زنان روستایی: با توجه به نتایج جدول ۷ این متغیر دارای تأثیر مستقیم ۰/۱۹۲ و تأثیر غیرمستقیم ۰/۱۹۲ است. لذا مجموع کل تأثیر علی این متغیر ۰/۳۸۴ محاسبه شده است و از نظر اولویت تأثیرگذاری رتبه دوم را دارد. تأثیرات غیرمستقیم این متغیر از طریق متغیرهایی چون تعداد اعضای خانواده، سابقه مدیریت، سابقه عضویت، میزان درآمد زنان از تعاونی، انگیزه اقتصادی و مدت بهره‌مندی بر مشارکت زنان روستایی است.

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل «سابقه مدیریت» بر متغیر وابسته مشارکت زنان روستایی: با توجه به جدول ۴ این متغیر دارای تأثیر مستقیم ۰/۲۷۶ است. متغیر مذکور دارای تأثیر غیرمستقیم ۰/۰۹۴ است؛ لذا کل تأثیر علی این متغیر بر متغیر وابسته معادل ۰/۳۸۴ است که از نظر اولویت رتبه سوم تأثیرگذاری را دارد. تأثیرات غیرمستقیم این متغیر از طریق متغیرهای سابقه عضویت، مدت بهره‌مندی، انگیزه اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی بر مشارکت زنان روستایی است.

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل «میزان سود تعاونی» بر متغیر وابسته توانمندی اقتصادی زنان روستایی: با توجه به جدول ۷ این متغیر دارای تأثیر مستقیم ۰/۳۲۸ و تأثیر غیرمستقیم ۰/۰۰۵ است. لذا مجموع تأثیر علی این متغیر بر متغیر وابسته برابر ۰/۳۳۳

است که از نظر اولویت، رتبه پنجم را دارد. تأثیرات غیرمستقیم این متغیر از طریق متغیرهای میزان درآمد زنان از تعاونی و مدت بهره‌مندی بر مشارکت زنان روستایی است.

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل «مدت بهره‌مندی» بر متغیر وابسته مشارکت زنان روستایی: با توجه به نتایج جدول ۷ این متغیر دارای تأثیر مستقیم ۰/۱۶۲ و تأثیر غیرمستقیم ۰/۱۶۲ است. لذا مجموع کل تأثیر علی این متغیر ۰/۳۲۴ محاسبه شده است و از نظر اولویت تأثیرگذاری رتبه ششم را دارد. تأثیرات غیرمستقیم این متغیر از طریق متغیرهای سابقه عضویت، سابقه مدیریت، میزان درآمد زنان از تعاونی و میزان سود تعاونی بر مشارکت زنان روستایی است.

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل «سن» بر متغیر وابسته توانمندی اقتصادی زنان روستایی: با توجه به نتایج جدول ۷ این متغیر دارای تأثیر مستقیم ۰/۱۷۷ و غیرمستقیم ۰/۰۵۶ است. لذا مجموع کل تأثیر علی این متغیر ۰/۲۳۳ محاسبه شده است و از نظر اولویت تأثیرگذاری رتبه هفتم را دارد. تأثیر غیرمستقیم این متغیر از طریق متغیرهای سابقه عضویت، سابقه مدیریت و انگیزه اقتصادی بر مشارکت زنان روستایی است.

جدول ۷. تأثیرات متغیرهای مستقل فردی-اقتصادی بر مشارکت زنان روستایی در تعاونی

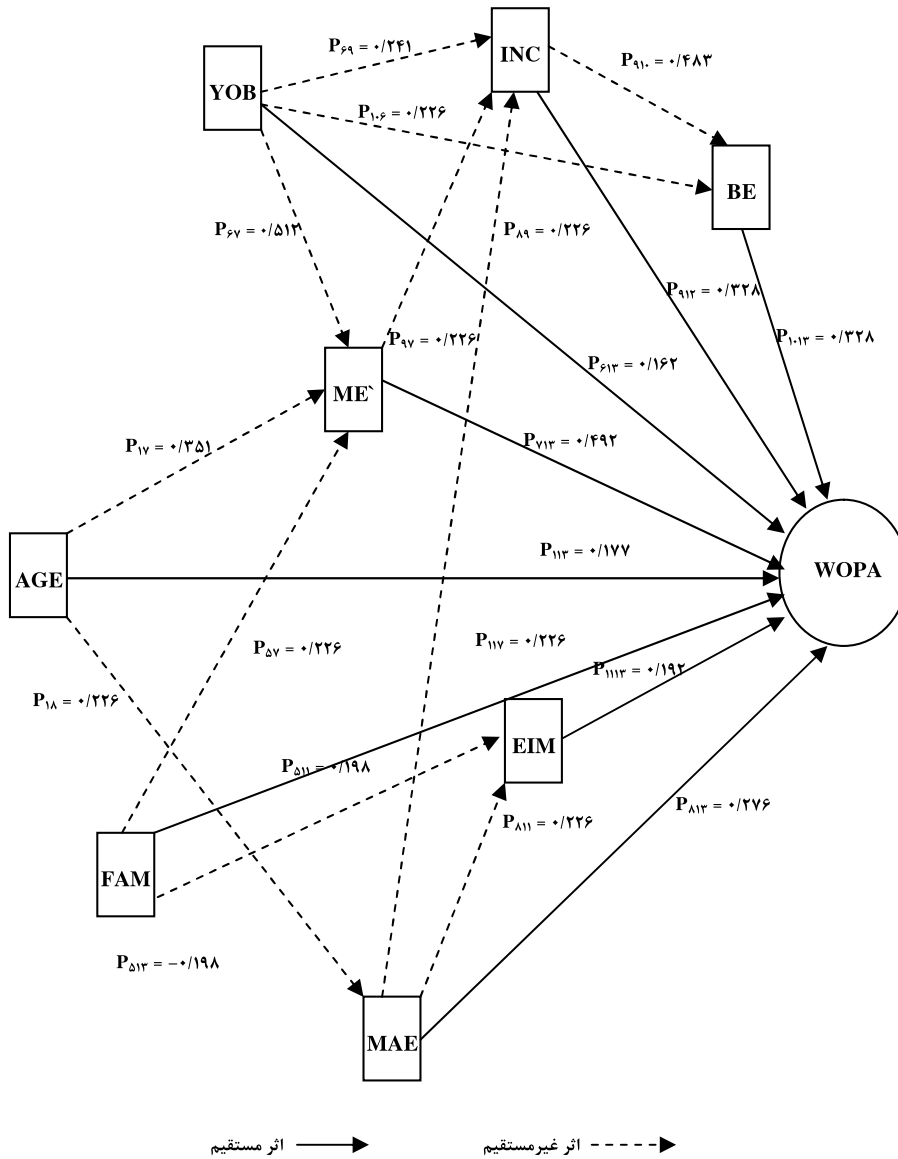
اولویت	مجموع اثرات علی	تأثیرات مستقیم	تأثیرات مستقیم	عنوان متغیر	متغیر	شناسه
۱	۰/۶۶۹	۰/۱۷۷	۰/۴۹۲	سابقه عضویت	X ₇	ME
۲	۰/۴۳۰	۰/۰۹۴	۰/۳۳۶	سابقه مدیریت	X ₈	MAE
۳	۰/۴۰۳	۰/۱۶۲	۰/۲۴۱	مدت بهره‌مندی از تعاونی	X ₆	YOB
۴	۰/۳۸۴	۰/۱۹۲	۰/۱۹۲	بهبود وضعیت اقتصادی خانواده زنان	X ₁₁	EIM
۵	۰/۳۵۱	۰/۰۰۵	۰/۳۴۶	میزان سود تعاونی	X ₁₀	BE
۶	۰/۱۳۲	۰/۰۴۳	۰/۰۸۹	میزان درآمد زنان از تعاونی	X ₉	INC
۷	۰/۱۲۵	۰/۰۵۶	۰/۰۶۹	سن	X ₁	AGE
۸	-۰/۱۹۹	-۰/۰۱	-۰/۱۹۸	تعداد اعضای خانواده	X ₅	FAM

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل «درآمد زنان از تعاونی» بر متغیر وابسته مشارکت زنان روستایی: با توجه به نتایج جدول ۷ این متغیر دارای تأثیر مستقیم $0/084$ غیرمستقیم $0/043$ است. لذا مجموع کل تأثیر علی این متغیر $0/127$ محاسبه شده است و از نظر اولویت تأثیرگذاری رتبه هشتم را دارد. تأثیر غیرمستقیم این متغیر از طریق متغیرهای سواد، میزان سود تعاونی، مدت بهره‌مندی، سابقه عضویت و سابقه مدیریت بر مشارکت زنان روستایی است.

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل «میزان تحصیلات» بر متغیر وابسته مشارکت زنان روستایی: با توجه به نتایج جدول ۷ این متغیر دارای تأثیر مستقیم $0/063$ و غیرمستقیم $0/028$ است. لذا مجموع کل تأثیر علی این متغیر $0/091$ محاسبه شده است و از نظر اولویت تأثیرگذاری رتبه نهم را دارد. تأثیر غیرمستقیم این متغیر از طریق متغیرهای میزان درآمد زنان، سابقه عضویت و سابقه مدیریت بر مشارکت زنان روستایی است.

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل «مالکیت زمین» بر متغیر وابسته مشارکت زنان روستایی: با توجه به نتایج جدول ۷ این متغیر دارای تأثیر مستقیم $0/048$ و غیرمستقیم $0/097$ است. لذا مجموع کل تأثیر علی این متغیر $0/049$ - محاسبه شده است و از نظر اولویت تأثیرگذاری رتبه یازدهم را دارد. تأثیر غیرمستقیم این متغیر از طریق متغیرهای سابقه عضویت، انگیزه اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی بر مشارکت زنان روستایی است.

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل «تعداد اعضای خانواده» بر متغیر وابسته مشارکت زنان روستایی: با توجه به نتایج جدول ۷ این متغیر دارای تأثیر مستقیم $0/16$ - و غیرمستقیم $0/01$ - است. لذا مجموع کل تأثیر علی این متغیر $0/17$ - محاسبه شده است و از نظر اولویت تأثیرگذاری رتبه دوازدهم را دارد. تأثیر غیرمستقیم این متغیر از طریق متغیرهای بهبود وضعیت اقتصادی و سابقه عضویت بر مشارکت زنان روستایی است.



شکل ۱. تحلیل مسیر علیّت، متغیرهای مستقل و متغیر وابسته مشارکت زنان روستایی

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس مطالعات صورت گرفته، استفاده مناسب از تعاونی‌های تولیدی در مناطق روستایی و به ویژه مناطق محروم، منجر به بهبود دانش و اطلاعات اعضا، افزایش تولیدات و رشد اقتصادی پایدار خواهد شد (Sanyang & Huang, 2008). در این تحقیق ابتدا شاخص مشارکت زنان در مراحل مختلف برنامه‌ریزی در تعاونی برآورد شد و متغیرهای فردی-اقتصادی در جامعه مورد مطالعه بررسی گردید؛ و در ادامه میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای فردی-اقتصادی با استفاده از فن تحلیل مسیر شناسایی شدند. سیزده مؤلفه اصلی در تحقیق حاضر ۶۱ درصد از تغییرات متغیر مشارکت زنان را تبیین کردند. مجموع تأثیرات کلی تحلیل مسیر نشان داد که بالا بودن میزان سابقه عضویت، بهبود وضعیت اقتصادی، سابقه مدیریت و میزان انگیزه مالی زنان برای مشارکت از جمله اولویت‌ها در افزایش توانمندی اقتصادی محسوب می‌شوند. مشارکت زنان در تعاونی مورد نظر نشان داد که بیشترین مشارکت اعضا در مرحله اجراست.

در سال‌های اخیر انتقادهای فراوانی به موضوع مشارکت و شیوه اجرای آن در مناطق روستایی وارد شده است. در برخی از این انتقادات، این موضوع مطرح می‌شد که در مشارکت مردم روستایی در تعاونی‌ها، سنگینی کار به طور ناعادلانه‌ای بر روی شانه‌های مردم روستایی قرار دارد (Okley, 1991). همان‌طور که نتایج مشارکت زنان نشان داد، در تعاونی مورد مطالعه، زنان تنها در ساخت توپ‌های ورزشی مشارکت فعال داشتند و در بقیه موارد که شامل مسئله‌یابی و تصمیم‌گیری است، کاملاً منفعل بودند. این گونه مشارکت به صورت استفاده از آنان به عنوان نیروی کار یا دیگر منابع مورد نیاز برای اجرای پروژه، از پایین‌ترین سطوح مشارکتی به شمار می‌رود، زیرا در آن انتخاب‌های مختلفی برای زنان شرکت کننده وجود ندارد. مشارکت باید به گونه‌ای باشد که زنان بتوانند در مراحل مختلف، بنا بر استعداد و تمایل‌شان شرکت کنند. در واقع، مردم روستایی اغلب بر خلاف خواست و اراده خود مجبور به مشارکت در برنامه‌های از پیش تعیین شده می‌شوند (Water and Sanitation for Health Project, 1993).

به عبارت دیگر، این نوع از مشارکت تا هنگامی که مردم محلی هیچ نقش مستقیمی در اداره تعاونی‌ها ندارند، کاملاً ساختگی است (Cooke & Kothari, 2001). مشارکت در سطوح میانی به این معناست که زنان بتوانند تصمیم‌گیری‌های عمده تعاونی‌ها (برنامه‌ریزی) را عهده‌دار شوند؛ مانند برگزار کردن ملاقات‌ها، سخنرانی در مجمع عمومی و نظارت بر چگونگی کار تعاونی، که در تعاونی مورد مطالعه این وظایف فقط در حیطة کارمندان دولتی مشاهده می‌شد. علاوه بر آن، در بالاترین سطوح مشارکتی نیز زنان باید نقش رهبری ایفا کنند و چگونگی اداره تعاونی می‌بایست با ابتکارات آنان صورت پذیرد، که در این صورت اعضا هم قدرت بیشتری برای نظارت بر عملکرد اداره‌کنندگان می‌یابند. از جمله دلایل عدم تمایل زنان برای ایفای نقش مدیریتی و رهبری، علاوه بر فقدان فضای مناسب برای مشارکت زنان، نبود اعتماد به نفس لازم در میان آنهاست. بنا بر گفته زنان جامعه آماری، آنان به دلیل سواد پایین و حضور نداشتن در فضاهای رسمی، تصورشان این بود که توانایی لازم را برای امور مدیریتی ندارند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که با دادن آموزش‌های لازم، مسئولیت‌های مدیریتی و رهبری به تدریج به زنان تفویض شود.

بر اساس نتایج تحقیق حاضر، پایین بودن مشارکت زنان روستایی در مراحل مسئله‌یابی و تصمیم‌گیری، نمی‌تواند پایدار ماندن منافع حاصل را تضمین کند. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که بین منافع اقتصادی پروژه با میزان مشارکت اعضا رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین ترتیب، تقویت منابع درآمدی از طریق مشارکت هر چه بیشتر اعضا در توپ‌دوزی، خرید مواد اولیه با کیفیت و قیمت مناسب‌تر، و پیدا کردن بازار مناسب فروش محصولات به منظور افزایش پایداری منافع حاصل از تعاونی ضروری خواهد بود. همچنین نتایج نشان داد که با افزایش تعداد افراد خانوار، احتمال بهبود مشارکت اقتصادی بانوان کاهش خواهد یافت. بنابراین، برنامه‌هایی چون برنامه بلندمدت آموزشی برای کنترل جمعیت و به ویژه برای زنان روستایی، نقش مهمی در افزایش احتمال مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های توسعه و علاوه بر آن، ارتقای سطح اقتصادی خانواده خواهد داشت.

منابع

- اعظمی، موسی، ۱۳۸۳، طرح بررسی و توصیف جامع شرکت تعاونی توپ‌دوزان باختر توپ پاوه، گزارش منتشر نشده.
- تودارو، مایکل، ۱۳۸۲، توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم، ترجمه غلامرضا فرجادی، چاپ دهم انتشارات روشنگران، تهران.
- حیدری، غلامرضا و فهیمه جهان‌نما، ۱۳۸۲، توانایی‌های زنان در بخش کشاورزی روستایی، پژوهش زنان ۲ (۶).
- رسول‌پور عربی، حسین، ۱۳۷۶، بررسی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- سرمدی، فریده، مالمیر، پوران، ساریخانی، ناهید، ۱۳۷۷، زنان روستایی و اشتغالزایی آنان، وزارت کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و بودجه، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- شاهروودی، علی‌اصغر؛ چیذری، محمد، ۱۳۸۸، عوامل تأثیرگذار بر مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری (مطالعه موردی در استان خراسان رضوی)، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره: ۳۹، شماره: ۱.
- شهبازی، اسماعیل، ۱۳۸۱، روستازادگان دانشمند، مؤسسه فرهنگی هنری شقایق روستا، نوبت اول.
- طاهرخانی، مهدی؛ حیدری ساربان، وکیل، ۱۳۸۳، نقش تعاونی‌های تولیدی در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان مشکین‌شهر)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۹، صص ۱۱۵-۱۲۶.
- طاهرخانی، مهدی؛ قرنی آرانی، بهروز، ۱۳۸۰، مطالعه عوامل مؤثر بر گرایش روستاییان به تشکیل تعاونی‌های روستایی مطالعه موردی: دهستان قنوات قم. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۸.
- علی بیگی، امیرحسین؛ نکویی نائینی، سیدعلی، ۱۳۸۷، عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اعضا در مدیریت تعاونی‌های روستایی شهرستان کرمانشاه، علوم کشاورزی ایران سال ۲، شماره ۳۹.
- علی بیگی، امیرحسین؛ زرافشانی، کیومرث و سعیده اولائی، ۱۳۸۶، تحلیل جنسیتی فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه: توصیه‌هایی برای عاملان توسعه روستایی مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۲.

موسی اعظمی و هما سروش مهر ————— تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در ...

غفاری، رامین، ۱۳۸۵، جایگاه و نقش زنان روستایی استان چهارمحال و بختیاری در فرایند توسعه پایدار، پایان نامه دکتری در رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا.

گریشمن، رومن، ۱۳۷۲، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
محسنی تبریزی، ع، ۱۳۷۱، طرح زمینه های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی، تهران.

مقنی زاده، محمد حسین، ۱۳۸۰، سازمان های غیردولتی نهادی برای سازماندهی مشارکت در جامعه مدنی، مجموعه مقالات نقش و جایگاه سازمان های غیردولتی در عرصه فعالیت های ملی و بین المللی، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، تهران.

هاشمی، علی، ۱۳۸۰، اشتغال زنان هزینه های آن از دیدگاه بنگاه اقتصادی، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۴.

Baland, J.M., & Platteau, J.P., 1996, **Halting Degradation of Natural Resources: Is There a Role for Rural Communities?**, Oxford: Oxford University Press.

Batliwala, Srilatha, 1994, **The Meaning of Women's Empowerment: New Concepts from Action**, PP. 127-138 in Population Policies Reconsidered: Health, Empowerment and Rights. G. Sen, A. Germain and L.C. Chen, eds. Cambridge: Harvard University Press.

Bell, M., Bauer, D., Jarnagin, S., Peter, G., 2004, **Farming for Us All: Practical Agriculture and the Cultivation of Sustainability**, Penn State University Press, University Park, PA.

Bernet T., Ortiz, O., Estrada, R.D., Quiroz, R., Swinton, S.M., 2001, **Tailoring Agricultural Extension to Different Production Contexts: A User-friendly Farm Household Model to Improve Decision-making for Participatory**, Research Agricultural Systems (69), PP. 183-198.

Brown, J., 2006, **Designing Equity Finance for Social Enterprises**, Social Enterprise Journal, 2(1), PP. 73 81.

Browning, M., Bourguignon, F., Chiappori, P.A., & Lechine, V., 1994, **Income and Outcomes: A Structural Model of Intra Household Allocation**, Journal of Political Economy, 102(6), PP. 1067-1096.

Budaka, N., Darcanb, M., Kanta, ra, 2005, **Women Farmers and Extension Services in Small Ruminant Production in Mountain Areas of Turkey**, D.B. March 2005 Journal of Arid Environments, 62, PP. 507-515.

- Chambers, R., 1993, **Challenging the Professions: Frontiers for Rural Development**, Intermediate Technology Publications Ltd, London.
- Chambers, R., 1997, **Whose Reality Counts? Putting the Last First**, Intermediate Technology Publications Ltd, London.
- Cleaver, F., 2001, **Institutions, Agency and the Limitations of Participatory Approaches to Development**.
- Cooke B. & U. Kothari (Eds.), 2001 **Participation: The New Tyranny**, New York: Zed Books.
- Crawley, H., 1998, **Living up to the Empowerment Claim? The Potential of PRA**, In: Guijt, I., Kaul Shah, M. (Eds.), *The Myth of Community: Gender Issues in Participatory Development*. Intermediate Technology Publications Ltd, London, PP. 24–34.
- Das, M.D., 1995, **Improving the Relevance and Effectiveness of Agricultural Extension Activities for Women Farmers**, FAO, Rome.
- Ellis, Fand biggs, S., 2001, **Evolving Themes in Rural Development 1950s-2000s**, Ddevelopment policy review, 19(4).
- FAO, 2006, **Improving Gender Equity in Access to Land**, Land Tenure Notes, Rome.
- FAO, 2007, Laub R., Najros E., **Sustainable Agriculture and Rural Development Policy**, Brief FAO Publications, Policy Brief series available at: www.FAO.com/RecentReleases.
- Farrington, J., 1995, **The Changing Public Role in Agricultural Extension**, Food Policy, Vol. 20, No. 6, PP. 537-544.
- Grace, Jo., 2005, **Who Owns the Farm? Rural Women's Access to Land and Livestock**, Kabul, Afghanistan: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Guijt, I., Kaul Shah, M. (Eds.), 1998, **The Myth of Community: Gender Issues in Participatory Development**, Intermediate Technology Publications Ltd, London.
- Hoddinott, J., & Haddad, L., 1995, **Does Female Income Share Influence Household Expenditure patterns?**, Oxford Bulletin of Economics and Statistics, 57(1), PP. 77–96.
- Humble, M., 1998, **Assessing PRA for Implementing Gender and development**, In: Guijt, I., Kaul Shah, M. (Eds.), *The Myth of Community: Gender Issues in Participatory Development*. Intermediate Technology Publications Ltd, London, PP. 35–45.

- Iversen, V. et al., 2010, **Do Spouses Realise Cooperative Gains? Experimental Evidence from Rural Uganda**, World Development (2010), doi:10.1016/j.worlddev.2010.09.011.
- Jiggins J., Rellen D., 1983, **Women in Agricultural Development: The World Bank's View Part I**, Agricultural Administration 15, PP. 157-175.
- Jones, G.E., Garforth, C., 1997, **The History, Development and Future of Agricultural Extension**, In: Swanson, B.E., Bentz, R.P., Sofranko, A.J. (Eds.), Improving Agricultural Extension: a Reference Manual. FAO, Rome.
- Kabeer, N., 1999, **Resources, Agency, Achievements: Reflections on the Measurement of Women's Empowerment**, Development and Change, Vol. 30, No. 3.
- Kloppenburg, J., 1991, **Social Theory and the De/reconstruction of Agricultural Science: Local Knowledge for an Alternative Agriculture**, Rural Sociology 56 (4), PP. 519-548.
- Liepins, R., Schick, R., 1998, **Gender and Education: Towards a Framework for a Critical Analysis of Agricultural Training**, Sociologia Ruralis 38, PP. 286-302.
- Lockie, S., 2006, **Networks of Agri-environmental Action: Temporality, Spatiality and Identity in Agricultural Environments**, Sociologia Ruralis 46, PP. 22-39.
- Longwe S., 1994, **Gender Analysis Criteria for Empowerment of Women**, Unisef women's development section New York.
- Mayoux, L., 1995, **Beyond Naivety: Women, Gender Inequality and Participatory Development**, Development and Change 26, PP. 235-258.
- Mayoux, L., 2000, **Microfinance and the Empowerment of Women: A Review of the Key Issues**, Social Finance Unit Working Paper, 23, Geneva: ILO.
- Monzon, J.L. & Chaves, R., 2008, **The European Social Economy: Concept and Dimensions of the Third Sector**, Annals of Public and Cooperative Economics, 79(3/4), PP. 549-577.
- Moser, C., 1993, **Gender Planning and Development: Theory, Practice and Training**, London: Routledge.
- Moser, C.O.N., 1984, **The Informal Sector Reworked: Viability and Vulnerability in Urban Development**, Regional Development Dialogue, Vol. 5, No. 2.

- Oakley, P., 1991, **Projects with People: The Practice of Participation in Rural Development**. Geneva, International Labour Office.
- Oakley, Peter et al., 1991 **Projects with People; The Practice of Participation in Rural Development**, pp. 284, ISBN: 9221072827, ILO.
- Ostrom, E., 1990, **Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action**, New York: Cambridge University Press.
- O'Sullivan, Arthur; Steven M. Sheffrin, 2003, **Economics: Principles in action**, Upper Saddle River, New Jersey 07458: Pearson Prentice Hall, PP. 202. ISBN 0-13-063085-3.
- Percy, R., 1999, **Gender Analysis and Participatory Rural Appraisal: Assessing the Current Debate Through an Ethiopian Case Study Involving Agricultural Extension Work**, International Journal of Educational Development (19), PP. 395–408.
- Prokopy, L.S., 2004, **Women's Participation in Rural Water Supply Projects in India: is it Moving Beyond Tokenism and does it Matter?**, Water Policy, 6, PP. 103–116.
- Prolopy, Linda Stalker, 2005, **The Relationship between Participation and Project Outcomes: Evidence from Rural Water Supply Projects in India**, World Development, Vol. 33, No. 11, PP. 1801–1819.
- Reijntjes, C., Haverkort, B., Waters-Bayer, A., 1992, **Farming for the Future: An Introduction to Low-external-input and Sustainable Agriculture**, Macmillan Press, London.
- Ridley-Duff, R. J., 2007, **Communitarian Perspectives on Social Enterprise**, Corporate Governance: An International Review, 15(2), PP. 382-392.
- Rivera, W., Corning, S., 1990, **Empowering Women Through Agricultural Extension: A Global Perspective**, Journal of Extension 28 (4).
- Roling, N., DeJong, F., 1998, **Learning: Shifting Paradigms in Education and Extension Studies**, Journal of Agricultural Education and Extension 5, PP. 143–161.
- Safilios-Rothschild, C., 1994, **Agricultural Policies and Women Producers**, In: Adepojo, A., Opong, C. (Eds.), Gender, Work and Population in Sub-Saharan Africa. James Currey, London, PP. 54–63.
- Schouten, T., & Moriarty, P. 2003, **Community Water, Community Management: From System to Service in Rural Areas**, London: ITDG Publishing.

- Schultz, T.P., 1990, **Testing the Neoclassical BNMel of Family Labor Supply and Fertility**, Journal of Human Resources, 25(4), PP. 599–634.
- Thomas, D. 1990, **Intrahousehold Resource Allocations – An Inferential Approach**, Journal of Human Resources, 25(4), PP. 635–664.
- Trauger, A, Sachs, C., Barbercheck, M., Kiernan., N.E., Brasier, K., Findeis, J., 2008, **Agricultural Education: Gender Identity and Knowledge Exchange**. Journal of Rural Studies.,24, PP. 432–439.
- UNFPA, 2005, **State of World Population**, Gender Equality Fact Sheet.
- Van Wijk-Sijbesma, C., 1985, **Participation of Women in Water Supply and Sanitation: Roles and Realities**, Technical Paper, No. 22, International Reference Centre for Community Water Supply and Sanitation, The Hague The Netherlands.
- Van Wijk-Sijbesma, C., 1998, **Gender in Water Resources Management, Water Supply and Sanitation: Roles and Realities Revisited**, The Hague: International Water and Sanitation Centre.
- Wallace, I., 1997, **Agricultural Education at the Crossroads: Present Dilemmas and Possible Options for the Future of Subsaharan Africa**, International Journal of Educational Development, 17 (1), PP. 27–39.
- Water and Sanitation for Health Project, 1993, **Lessons Learned in Water, Sanitation and Health: Thirteen Years of Experience in Developing Countries**, United States Agency for International Development, Washington, DC.
- World Bank, 2001, **Engendering Development through Gender Equality in Rights**, Resources and Voice, Oxford University Press Washington, DC.
- World Bank, 2005, **Empowerment in Practice from Analysis to Implementation**, Ruth A., Mette F., Bertelsen J., Holland16031-IN, South Asia Environment and Social Unit, World Bank, Washington, DC.
- Young, K., 1993, **Planning Development with Women: Making a World of Difference**, Macmillan, London.